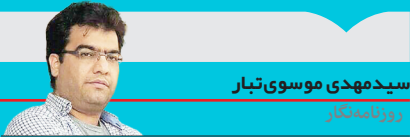


گفت‌وگویی «فرهنگستان» با عوامل مجموعه طنز «ممیزی»

وقتی می‌توان «رحمان ۱۴۰۰» نبود و موفق شد



سیدمهدی موسوی‌تبار

روزنامه‌نگار

هم دارد. در روزگار معاصر همه از تغییر ذائقه مردم در هنرها و حوزه‌های مختلف می‌نالند و البته کسی هم مسئولیت قبول نمی‌کند. اقبال عمومی به برنامه‌هایی که طنز یا کبزه، خنده‌دار و عمیق دارند نشان‌دهنده این است که ذائقه مخاطب هم نیاز به پرورش و تعلیم و شاید صبر دارد. یا حامد جوادزاده و وحید آقاپور کارگردان، نویسنده و بازیگر مجموعه طنز «ممیزی» که به بررسی وضعیت ممیزی در شعر و ترانه می‌پردازد و این روزها در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفته است هم‌کلام شدیم که ماحصل آن را در ادامه می‌خوانید.

حامد جوادزاده، تهیه‌کننده:

خودمان «ممیزی» را ممیزی کیفی می‌کنیم

آیتم داشته باشیم؛ یعنی ۱۰ قسمت برای ماه مبارک تولید می‌شود. این در حالی است که برای ساخت یک قسمت، یک هفته زمان می‌گذریم.

فکر می‌کنم دور ریختنی تصویری کم دارید. اما یک‌سری کات‌هایی دارید که معلوم است خنده‌تان گرفته است.

پرتی‌های آیتم‌ها فقط پشت صحنه است که خودمان می‌خندیم و خیلی از جاها خنده‌مان می‌گیرد.

نمی‌خواهید فیلم‌های پشت صحنه را هم به صورت مستقل بخش کنید؟

چرا، ولی الان وقتش نیست.

انتخاب ترانه‌هایی که برای آیتم‌های طنز انتخاب می‌کنید بر چه مبنایی است؟

ترانه دو سه‌تا فاکتور برای انتخابش دارد؛ یکی اینکه خواننده بتواند ترانه را بخواند. با تمام سختی‌ها سعی می‌کنیم تقریباً ۹۰درصد ترانه‌ها را اجرا کنیم ولی مهم این است که ترانه خودش راه بدهد. مثلاً ما چندین بار آمدمیم روی کار هوروش بند کار کردیم ولی دیدیم خودش طنز است و ما چطور می‌توانیم نقدش کنیم.

خود برنامه «ممیزی» چقدر دچار ممیزی می‌شود؟ آیا جاهایی از کار برای بخش در فضای مجازی سانسور شده است؟

نه، برای سانسور تا الان هیچ بخشی از آیتم‌ها حذف نشده است.

پس برای چه حذف شد؟

ایده این برنامه چه زمانی شکل گرفت و ساخت این آیتم‌ها از کی شروع شد؟

حدود ۱۰ سال پیش، برنامه‌ای به نام «جوانی آنلاین» را برای پخش از رادیو جوان آماده می‌کردیم. خاطرم هست که در آن سال‌ها تازه ترانه خواندن برای تیتراژهای سریال‌های تلویزیونی باب شده بود. ماه مبارک رمضان سال ۸۵، «میوه ممنوعه»، «صاحب‌لان» و یکی دوتا از سریال‌های دیگر پخش شدند و برای بعد از ماه مبارک سراغ این سریال‌ها رفتیم و تیتراژ این سریال‌ها را به شکل طنز، کار کردیم. در آن موقع آقای محمود فرجاسی که الان در ایران نیست جزء تیم نویسندگان ما بود و با هم کلیپ‌های آن را می‌ساختیم. بعد از اینکه از کار جدا شدم، این برنامه ادامه داشت تا سال ۸۶ که ساخت این مدل آیتم‌ها تمام شد. بعدها از رادیو بیرون آمدم و سال ۹۳ برنامه‌ای را برای شبکه یک به نام «شهرآورد» تولید کردیم و گفتیم که بهتر است این مدل آیتم، دوباره بازسازی شود و دوباره آن را ساختیم. حدود ۳۰، ۴۰ قسمت از این آیتم پخش شد و خیلی جو خوبی درست کرد و اتفاق خوبی بود. منتها به دلیل شرایط و ممیزی‌های سازمان و زمان برنامه، این آیتم در پنج دقیقه‌ه روی آنتن می‌رفت و حق کار ادا نمی‌شد تا اینکه به صورت مستقل آپارات به ما پیشنهاد داد که در حوزه طنز یک کار خوب می‌خواهیم که من هم گفتم کار «ممیزی» را دارم و بعد از توافقی که شد در اسفندماه ۹۷، تولید برنامه طنز «ممیزی» در فضای اینترنتی را به صورت جدی شروع کردیم.

متن‌های طنز و ترانه‌ها چگونه نوشته می‌شوند؟

من و آقای آقاپور با همفکری، متن را آماده می‌کنیم و هر روز چهارتا آیتم هم ضبط می‌کنیم. سفارش بعدی آپارات این است که ما برای ماه مبارک رمضان هر سه روز یک

ممکن است طنزش درنیامده باشد و تدوینگر این را می‌بیند و می‌گوید که مزه‌اش خیلی نسبت به بقیه درنیامده است. چون من شرطم با تدوینگر این است که اگر مبنای طنز را روی ۸۰ درصد در نظر می‌گیری، بخش‌هایی که زیر ۸۰ درصد بود را حذف کن، چون بی‌نمک می‌شود، یک وقت‌هایی تدوینگر جلوی بی‌مزه‌ها را می‌گیرد و یک وقت‌هایی هم او می‌گذارد و من دوباره نگاه می‌کنم و می‌گویم اینجااش بی‌مزه است و دوباره بخش‌هایی از آن حذف می‌شود.

وقتی به متون آثاری که این روزها به نام طنز ساخته می‌شوند نگاه می‌کنیم، با یک‌سری شوخی‌های دم دستی و گاهی جنسی همراه است. در حالی که «ممیزی» با وجود اینکه در فضای مجازی منتشر می‌شود، طنز درست و حسابی و فاضری را ارائه می‌کند. چگونه یک برنامه‌ساز طنز بدون اینکه گرفتار فضای غالب این روزهای طنز شود، می‌تواند یک کار پر مخاطب بسازد؟

خیلی جدی روی این قضیه ایستاده‌ایم و من می‌گویم که ما اگر می‌خواهیم تعریفش بکنیم یک طنزی است که کاملاً طنز محتواست و ما کار را طنز موقعیت نمی‌بینیم و این چینی شکستن سر همدیگر را نداریم و به قیافه‌ای کسی نمی‌خندیم و هستند که قیافه ممیز هم به ما کمک می‌کند و عکس‌های بازیگر هم به ما کمک می‌کند اما اساس این طنز دیالوگ‌هاست و طنز محتوا است. در ۲۰ دقیقه، هیچ ریتمی در تدوین نداریم و یک قاب ثابت است و با کمترین تعداد کاراکتر که در آن ۱۵ دقیقه ریتم و طنز حفظ شده است و در تمام دقایق آیتم باید طنز را به گونه‌ای حفظ کنیم که مخاطب منتظر نبماند و تا انتها کار را ببیند.

وحید آقاپور را بیشتر در تلویزیون و تئاتر دیده‌ایم. او در سریال‌هایی همچون «گرگ و میش» و «شرایط خاص» حضور داشته است اما در مجموعه طنز «ممیزی» به‌عنوان شخصی که ممیزی شعر و ترانه می‌دهد ایفای نقش می‌کند.

شما برای نقشی که بازی می‌کنید الگوی خاصی دارید یا فرد خاصی را در ذهن‌تان داشتید یا نه؟

حقیقت این است که فرد خاصی مدنظرم نبوده است اما به دلیل مشغولیت خودم در عرصه هنر و به‌طور خاص در رشته تئاتر و بازیگری، با این طیف از افراد فراوان مواجه بودم و مجموعه آن مواجهه و دریافت‌ها و آشنایی‌ها باعث شد که بتوانم به کاراکتر فعلی برسیم و چیزی را عرضه کنم که برای خیلی از کسانی که در وادی هنر ریسک کردند قابل درک و آشنا و قابل ملموس باشد و در عین حال برای مخاطبانی که سروکاری با هنر نداشتند به قدری تعجب برانگیز و خنده‌دار است.

نویسندگی مشترک متن‌ها در حین کار انجام می‌شود یا در ابتدای آن متن‌ها نوشته می‌شود؟

از ابتدا داستان‌هایی داریم و سر ضبط، داستان‌هایمان بیشتر می‌شود. می‌توانم بگویم ۹۵ درصد وفادار به آن متن اولیه هستیم و برای متن‌ها دو سه جلسه‌ای زمان می‌گذاریم و متن‌ها را آماده می‌کنیم و یک جلسه نهایی را برای ضبط می‌گذاریم، و بعضاً خیلی کم پیش می‌آید که در پروسه ضبط به این نتیجه برسیم که کلمه‌ای را جایگزین کنیم یا احساس کنیم که یک مفهومی

می‌تواند بار کم‌دی بیشتری داشته باشد. برخلاف تصویری که وجود دارد، این کار به صورت بداهه نیست و بخش زیادی از طنز بر مبنای متن ساخته می‌شود.

شکل سوزّه، این ظرفیت را دارد که در اجرا به سمت لودگی برود. چه تدابیری اندیشیدید که در کار از لودگی و شوخی‌های سطحی پرهیز شود. این برخلاف جریان‌ی است که این روزها برای کار طنز شکل گرفته است.

با وضعیت کنونی کار کم‌دی که گفتید موافق هستم و اصولاً کسانی که دست‌اندرکارهای تولید محتوای کم‌دی هستند بهتر است که به‌رغم نگاه به جذب مخاطب، به اخلاق و به ادب عمومی پایبند باشند و این به نظر من یکی از خط‌های قرمز هر کسی است که در این حوزه کار می‌کند. اما آن قسمتی که راجع به خودمان است، واقعیت این است که در فضای مجموعه طنز «ممیزی»، بیشتر تولید محتوای کم‌دی تکیه بر ادبیات است و حتی پشتوانه‌اش بیشتر خود ادبیات شاعرانه است تا ادبیات نمایشی. بعضاً موضوعات و نکاتی است که می‌تواند به حوزه خطوط قرمز پهلو بزند و ما نزدیک می‌شویم اما نوع مواجهه و نزدیکی‌مان و نوع پرداخت‌مان، پرداخت موقر و مودبانه‌ای است؛ یعنی به نظر من حتی می‌توان به سوزه‌های چالشی و ملتهمی که برای جامعه عوارضی ندارد، نزدیک شد به شرط آنکه رویکرد سلامت و امنیت اخلاقی در متن و اجرای آیتم لحاظ شود. به نظر من کاری که ما انجام می‌دهیم چنین مواجهه‌ای است.

جنگ جهانی دوم به کارگردانی بن افلک

بن افلک به‌عنوان کارگردان فیلم «ارتش ارواح» انتخاب شده است تا داستانی واقعی از جنگ جهانی دوم را بسازد. بن افلک در کنار کارگردانی در این اثر بازی هم می‌کند. این پروژه یونینورسال پیکچرز براساس کتاب «ارتش ارواح جنگ جهانی دوم» است که نویسنندگان آن ریک بیر و الیزابت سیلزر هستند و نیک پیزولاتو، خالق «کار آگاه حقیقی»، آخرین نسخه فیلمنامه را نوشته است. «ارتش ارواح» داستان گروهی از سربازان آمریکایی است که به دلیل استعداد و تنوع‌شان انتخاب شده‌اند تا از ترغند «خود و آینه‌ها» در جنگ استفاده کنند. آنها از مخازن انفجاری، فرستنده‌های رادیویی جعلی و ماشین‌هایی برای ایجاد سروصدا استفاده می‌کردند تا نیروهای آلمانی تصور کنند ارتش آمریکا در آن منطقه حضوری وسیع و نابودکننده دارد در حالی که حتی در نزدیکی آنجا هم نبودند.

دوستی از جنگ قوی‌تر است

«کتاب سبز» آخرین ساخته پیتز فارلی، سال گذشته سه جایزه اسکار دریافت کرد و حالا فیلم جدیدی که او می‌خواهد بسازد مشخص شده است. فارلی کارگردانی و نویسندگی فیلم در حاضر بدون عنوانی را برعهده خواهد داشت که اسکای دنس پیکچرز آن را تهیه خواهد کرد. این فیلم از کتاب «داستان یک دوستی واقعی از جنگ قوی‌تر» اقتباس شده‌است. جوانا ملوی و جان دونوهو نویسندگان کتاب هستند و داستان براساس داستان واقعی دونوهواس؛ کسی که در سال ۱۹۶۷ نیویورک را ترک کرد تا به رفقای دوران کودکی‌اش به پیوندد که به ارتش در حال جنگ با ویتنام ملحق شده‌اند. برابان کوری و بیت جونز، فارلی را در نوشتن فیلمنامه همراهی می‌کنند و دیوید الیسون و دانا گلدبرگ، تهیه‌کنندگی فیلم را برعهده خواهند داشت. سرپرستی پروژه در اسکای دنس برعهده دان گرانگر و ایسی ربوراست فارلی برای «کتاب سبز» نقدهای مثبتی دریافت کرد و در پنج بخش نامزد دریافت اسکار شد و توانست در بخش‌های بهترین فیلم، بهترین فیلمنامه غیراقتباسی و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد سه جایزه را از آن خود کند.

سعی می‌کنند اکران انحصاری فیلم را تغییر دهند. او پیشتر اعلام کرده بود: «زمانی که مردم فیلمی از تلویزیون تماشا می‌کنند، دیگر تماشاگر تلویزیونی محسوب می‌شوند. اگر اثر خوبی باشد حتماً لیاقت دریافت جایزه جشنواره فیلم «امی» را دارد، اما جایی در فستیوال «اسکار» ندارد و معتقدم اگر فیلمی کمتر از یک هفته در تعداد محدودی از سینماها اکران شود صلاحیت نامزدی در آکادمی اسکار را ندارد…»

لئوناردو دی‌کاپریو در فیلم جدید گیرمودل تورو

لئوناردو دی‌کاپریو برای بازی در فیلم «گذرگاه کابوس» که آن را گیرمودل تور (شکل آب) کارگردانی خواهد کرد، درحال مذاکره با شرکت فاکس سرچ‌لایت پیکچرز است. دل‌تورو در حال نوشتن فیلمنامه با همکاری کیم مورگان است و او، جی مایلز دیل، تی‌اس جی اینترتینمنت تهیه‌کنندگی و تأمین مالی فیلم را برعهده دارند و با کمک فاکس سرچ‌لایت پیکچرز به دنبال کسب حقوق پخش «گذرگاه کابوس» در سرتاسر جهان هستند.

این فیلم براساس رمان ویلیام لیندسی گرشام است که پیش از این نیز آدموند گلدینک در سال ۱۹۴۷ فیلمی با همین نام از روی آن ساخت. در فیلم آدموند گلدینک، تاپرون پاور نقش یک جوان حقه‌باز را بازی می‌کند که با یک زن روانپزشک که از او هم حقه‌بازتر است گروهی تشکیل داده تا با نابرت‌بگ مردم را سرکیشه کنند. در ابتدا این دو از موفقیت‌شان در سرکیشه کردن مردم خوش‌حالند، اما با گذر زمان روانپزشک ذهن پاور را دستکاری می‌کند. فیلمبرداری «گذرگاه کابوس» در پاییز امسال آغاز خواهد شد و تا آن زمان دل تورو بازیگران تمام شخصیت‌ها را مشخص خواهد کرد. دی‌کاپریو پس از کسب جایزه اسکار برای بازی در فیلم «از گور برخاسته» در سال ۲۰۱۵، تصمیم گرفت مدتی استراحت کند و تا آماده شدن برای بازی در «روزی روزگاری در هالیوود» به کارگردانی کوئنتین تارانتینو در هیچ فیلمی نقش‌آفرینی نکند.

و در آخر تصمیم‌گیری برای بیان حقیقت هنگامی که مردم کشور خودشان در تضاد با آنها موضع گرفته‌اند، حس همدردی ببینده را بر می‌انگیزد. در سال ۱۹۸۶ نیروگاه اتمی چرنوبیل در اوکراین منفجر شد و باعث پخش شدن مواد رادیواکتیو در بخش بزرگی از غرب شوروی و شرق اروپا شد.

اسپیلبرگ: مردم جهان به سینما بروید!

استیون اسپیلبرگ سکوتش را درباره سرویس پخش زنده اینترنتی شکست و از هیات‌مدیره آکادمی اسکار خواست در رابطه با مدعیان جوایز که به صورت استریمینگ برنامه‌ها را پخش می‌کنند، قانون جدیدی وضع کند. او گفت مشکلی با در دسترس بودن فیلم‌های بزرگ برای عموم مردم ندارد اما می‌خواهد سنت پخش فیلم در سینماها باقی بماند. استیون اسپیلبرگ در ایمیلی به «نیویورک تایمز» اعلام کرد که علی‌رغم میلش به حفظ سنت‌های سینمایی می‌خواهد مردم با شیوه یا سبک دلخواه‌شان سرگرم شوند. او در ادامه می‌گوید: «بزرگ یا کوچک بودن صفحه مهم نیست؛ برای من داستان‌های بزرگ اهمیت دارد و همه باید به این داستان‌ها دسترسی داشته باشند. با این همه فکر می‌کنم مردم نیاز دارند تا خانه و خانواده امن خود را ترک کنند و به سینما بروند که به همراه بسیاری از تماشاگران لحظه‌های مشترکی را سپری کنند و با هم گریه، خنده و ترس را تجربه کنند. من می‌خواهم سنت فیلم‌دیدن و تجربه سینما رفتن در فرهنگ‌مان حفظ شود.» اسپیلبرگ در نشست سالانه ارائه‌قانون در آکادمی اسکار حضور نیافت تا درباره موظف کردن مدعیان اسکار به اکران فیلم‌ها به‌طور انحصاری به مدت چهار هفته در سینماها صحبت کند. (اکنون فیلم‌ها باید تنها به مدت یک هفته به‌طور انحصاری در سینما اکران شوند و بعد می‌توانند هم‌زمان به صورت استریمینگ پخش شوند) اسپیلبرگ در نیویورک در حال بازسازی فیلم داستان وست ساید بود و به همین دلیل در نشست آکادمی شرکت نکرد. اسپیلبرگ معتقد است نظرش درباره نقل‌یکس هم در رسانه‌ها بزرگ‌نمایی شده است و نگرانی اصلی او نقل‌یکس نیست بلکه نمایش دهندگانی هستند که

«چرنوبیل» و نمایش ترس‌های بشری

شبکه «اچ‌بی‌او» به صورت رسمی ساخت سریال «چرنوبیل» را اعلام کرد. این مینی‌سریال بر خلاف فیلم‌های داستانی و مستندی که تاکنون درباره نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل ساخته شده همچون «خاطرات چرنوبیل» (برد پارکر، ۲۰۱۲)، بیشتر به یک فیلم ترسناک می‌ماند تا یک درام تاریخی.

داستان سریال ماجراهای قبل و بعد از فاجعه انفجار نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل را در بر می‌گیرد و به گفته مدیر برنامه شبکه «اچ‌بی‌او» یکی از ویرانگرترین حادثه‌ها و ترس‌های بشری را به نمایش می‌گذارد. بازگویی داستان تکراری در این سریال بیشتر متکی به ترسناک بودنش است تا پرداختن به حقایقی که از ابتدا بسیاری از مقامات شوروی تلاش کردند از عموم مردم جهان مخفی بماند. به‌جای ردیف کردن حقایق هولناک، کریگ مازن، نویسنده و یوهان زنگ کارگردان داستان سراسر تکان‌دهنده‌ای را روایت می‌کنند که بی‌رحمی‌ها در مقیاسی بزرگ به‌تصویر کشیده شده است. «چرنوبیل» شامل پنج قسمت است که تمامی آنها را مازن نوشته است و در این مجموعه، داستان تعدادی شخصیت روایت می‌شود که هر کدام هدف‌های خاص خودشان را شد، نبال می‌کنند.

دو بخش اول سریال بر کابوس احتمال انفجار را کتور اتمی تمرکز دارد و دو بخش بعدی بر تلاش‌ها برای پاک‌سازی و فداکاری‌هایی که برای تثبیت شرایط منطقه صورت گرفت. بخش آخر به محاکمه شل و الکی شخص‌های نامتخصص می‌پردازد. داستان با ماجراهای دانشمندی دیرباور به نام والری لگاسف(چرد هریس)، بوریس شربینا معاون نخست‌وزیر شوروی (استلان اسکارشگورد) و فیزیکدان هسته‌ای حقیقت‌یاب، اولانا خامیوک (امیلی واتسون) پیش می‌رود. لگاسف و شربینا از نزدیک رخداد فاجعه را بررسی کردند و چند سال بعد به دلیل پا گذاشتن در چرنوبیل جان خود را از دست دادند و مازن تصدیق می‌کند خامیوک نیز مانند بسیاری از دانشمندانی است که پا به میدان می‌گذارد تا پرده از گزارش‌های متناقض رسمی بردارند. سختی‌هایی که هریس، اسکارشگورد و واتسون تحمل می‌کنند، کشمکش‌های درونی‌ای که با آن روبه‌رو می‌شوند

